



پژوهش‌های بازاریابی اسلامی

دوره ۳، شماره ۲، بهار ۱۴۰۴

ظرفیت‌های فقه امامیه در برابر سکولاریسم و نقش آن در اخلاق اسلامی

افشین صفریانی گیلان^۱، عبدالرضا جمال زاده^{۲*}^۱ دانشجوی دکتری، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.^۲ دانشیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۵/۱۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۵/۳۱ تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۴/۰۱/۰۱

چکیده

هدف: سکولاریسم و دین دو پدیده مخالف هم که هر دو به بحث پیرامون نقش دین و مذهب در جامعه و حکومت بر آن می‌پردازند. سکولاریسم به معنای جدایی دین از سیاست و حکومت است و فقه به عنوان شاخه‌ای از علوم دینی، به تفسیر و تطبیق احکام دینی با زمان، مکان و شرایط مختلف می‌پردازد تا از این طریق، در عین دینداری، دموکراسی را در جامعه پیاده سازد. در حقیقت اسلام دینی است که تأکید بر باور به پروردگار و پیروی از آموزه‌ها و دستورات او دارد و توحید، نبوت، کتاب، معاد و شریعت، پایه‌های این دین آسمانی هستند. فقه در اسلام، به درک و استنباط احکام شرعی کمک می‌کند و به بررسی قوانین و ضوابط دینی در زمینه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی و فرهنگی زندگی روزمره مسلمانان می‌پردازد. در این راستا از چهار منبع اصلی یعنی کتاب (قرآن)، سنت، اجماع و عقل، کمک می‌گیرد. فقها از توانایی‌ها و قابلیت‌های این دانش جهت پاسخگویی به نیازها و مسائل شرعی جامعه می‌پردازند.

روش: پژوهش پیش رو با استفاده از منابع و اسناد کتابخانه‌ایی و با روش توصیفی تحلیلی به بررسی ظرفیت‌های فقه در تقابل و رویارویی با سکولاریسم می‌پردازد.

یافته‌ها و نتیجه‌گیری: نتایج حاصل از بررسی‌ها نشان می‌دهد که علم فقه دارای توانایی تطبیق احکام شرعی با شرایط واقعی است و میتواند احکام مربوطه را از منابع اسلامی استخراج کرده و استدلال مناسبی را برای حل مسائل شرعی ارائه نماید و راه‌گشای خوبی برای مسائل اجتماعی باشد و مخالفتی با سکولاریسم و دموکراسی و پیشرفت ندارد.

واژه‌های کلیدی: سکولاریسم، فقه امامیه، اسلام، دین.

مقدمه

اسلام و سکولاریسم دو مفهومی هستند که در رابطه با تعریف و بررسی نقش دین و مذهب در جامعه و حکومت بر جامعه، با یکدیگر تفاوت دارند. همچنین دو مفهوم فقه و سکولاریسم نیز در عین حال که کاملاً متفاوت هستند، به بحث و بررسی در رابطه با دین و قوانین در جامعه میپردازند و در این رابطه سخن میگویند. اسلام دینی است که برای زندگی اجتماعی، فرهنگی و سیاسی انسانها نظم و رهنمودهای خاصی را دارا هست و آنها را در اختیار انسانها قرار میدهد و فقه به عنوان یک شاخه از علوم دینی، به تفسیر و تطبیق احکام دینی با زمان، مکان و شرایط مختلف میپردازد. دانش فقه در حقیقت مجموعه‌ای از قوانین و روش‌های تعاملی برای زندگی مسلمانان را شامل میشود. اما آنچه‌ای که در این پژوهش قصد بررسی آن را داریم علاوه بر مفهوم فقه، مفهوم سکولاریسم نیز میباشد. سکولاریسم مفهومی است که در کلیت خود اشاره به جدایی دین از سیاست و امور دولتی دارد، به بیان دیگر این مفهوم تاکید بر برابری تمامی ادیان و باورها در جامعه و تفکیک دین از امور دولتی و عمومی دارد. سکولاریسم بیان می‌کند که قوانین دینی نباید تسلط بر قوانین دولتی داشته باشند و دین باید به عنوان یک بعد شخصیتی در نظام سیاسی قرار داده شود. به بیان دیگر سکولاریسم یعنی به حاشیه بردن دین در زمینه‌های مختلف زندگی، آنطور که در عرصه سیاست، حکومت، امور فراطبیعی، عقلانیت و اخلاق و غیره، دین به کناری رانده میشود. در دین یهود و در مسیحیت و شیعه، بطور مثال انجمن حجّیه، دیدگاهی را شاهد هستیم که بیان میدارد مکلفین و معتقدین به دین، می‌بایست حالتی دو گانه در عمل پیش بگیرند به این معنا که در زمان ضرورت و نیاز در رابطه با مسائل اجتماعی و زندگی روزمره، در کنار آنکه اعتقادات و دین خود را مستحکم نگاه میدارند، سکولار و عرفی عمل کنند. به این صورت که فقه شخصی و خصوصی را به همراه با پایبندی و وفاداری به الگوهای دینی در زندگی خود اجرا کنند و در کنار آن نیز در جامعه به صورت سکولار رفتار کنند.

سوالی که در اینجا مطرح است این است که آیا با انجام گفت‌گو میان فقه و سکولاریسم میتوان راهی برای زندگی روزمره و سکولار یافت بطوریکه نه دچار بی‌دینی گردیم و نه گرفتار در مشکلات یک جامعه سکولار و نه دچار عقب‌ماندگی از فضا و زمان فعلی و مقتضیات آنها؟ پژوهش پیش رو با هدف بررسی ظرفیت‌های فقه امامیه در تقابل با سکولاریسم در راستای پاسخگویی به این پرسش و پرسش‌هایی از این دست انجام گرفته است. با توجه به پیشرفت روز افزون تکنولوژی در تمامی زمینه‌های علمی و آنچه که باعث پیدایش سکولاریسم در اروپا و در پی اقدامات مذهبی کلیساها شده است، لازم و ضروری است که مسائل دینی و فقهی دائماً مورد بررسی قرار بگیرند و مطابق با نیازهای جامعه مدرن به روز رسانی شوند تا جامعه دچار بیدینی نشده و مسائل و مشکلات ناشی از سکولاریسم نیز در آن پیاده نشود. به بیان دیگر دین و فقه باید بتواند با نیازهای روز و جامعه مدرن منطبق شود تا دچار زوال و بی‌دینی نشوند.

پیشینه پژوهش

نیکزاد (۱۳۸۲) در پژوهشی تحت عنوان «اسلام و سکولاریسم» به بررسی تقابل اسلام و سکولاریسم در جامعه ایران و به نقد و بررسی هفت شبهه از شبهات سکولاریستی در عرصه دین، سیاست و حکومت پرداخته است. باقی (۱۳۸۴) در پژوهشی تحت عنوان «دین، سکولاریسم، حقوق بشر» سه رویکرد متفاوت را در باب دین، حقوق بشر و سکولاریسم در جامعه کنونی ایران مطرح می‌کند و مورد بررسی قرار میدهد. بریعی (۱۳۹۶) در پایان نامه مقطع کارشناسی ارشد تحت عنوان «بررسی فقهی و حقوقی آثار سکولاریسم» با توضیح معانی مختلف عرفی‌گرایی، معانی سازگار و ناسازگار آن را با دیانت را مشخص می‌کند و دادو ستد آن را با دیانت را مورد مطالعه و پیگیری قرار میدهد. هدایت نیا (۱۳۹۷) در مقاله‌ای تحت عنوان «ظرفیتهای فقه امامیه و به روزرسانی فقه خانواده» ضمن تبیین ظرفیتهای فقه شیعه در به روز شدن و پاسخ‌گویی به نیازهای نوپدید، به بررسی و تبیین تحولات حقوق خانواده و به روز شدگی آن می‌پردازد. کهنسال و گرمودی (۱۳۹۹) در مقاله‌ای تحت عنوان «تقابل اسلام و سکولاریسم در عرصه‌های حیات انسانی»، به بررسی چگونگی عملکرد سکولاریسم در صحنه اجتماع، اقتصاد، مدیریت و سیاست و آزادی

میپردازند. تقی پور (۱۴۰۰) در پژوهشی تحت عنوان « ظرفیتهای فقه امامیه در پذیرش نهادهای جدید حقوق خصوصی، با تأکید بر اعتباریات و عرف » با رویکرد تمدنی به مواجهه حقوق خصوصی اسلامی با حقوق خصوصی غربی پرداخته است. کربلایی و کیخا (۱۴۰۲) در مقاله ای تحت عنوان « ظرفیتهای فقه امامیه در پیشگیری از طلاق » با استفاده از روش توصیفی تحلیلی به بررسی شناسایی ظرفیتهای فقه امامیه در پیشگیری از طلاق پرداخته است. اینجینر (۳۸۴) در پژوهشی تحت عنوان « آیا اسلام و سکولاریسم سازگارند؟ » در پی پاسخ به پرسشهایی است که در رابطه با تقابل اسلام و سکولاریسم مطرح میشود: « آیا اسلام با سکولاریسم واقعا سازگارند؟ آیا تبلیغات سعودی بر علیه سکولاریسم صرفا توجیه است؟ آیا حق با مولانا مدودی است؟ » در پایان بیان میشود که در کنار هم بودن یا نبودن دین و سکولاریسم به نوع تفسیری که ما از آن‌ها داریم، بستگی دارد. اسماعیل عمار (۱۳۹۰) در پژوهشی تحت عنوان « بیداری اسلامی؛ تقابل اسلام سیاسی و سکولاریسم » به بررسی تقابلات اسلام سیاسی و سکولاریسم و محورهای تقابل دو گفتمان اسلام سیاسی و سکولاریسم در جوامع اسلامی میپردازد.

بررسی‌های انجام شده در خصوص پژوهش‌هایی که بیشتر در رابطه با موضوع مورد بحث در پژوهش پیش رو انجام شده است، نشان دهنده این مطلب است که پژوهشی چه در قالب مقاله و چه در قالب پایان نامه و یا رساله در رابطه با موضوع مورد نظر پژوهش پیش رو، انجام نشده است و همگی پژوهش‌های گذشته در رابطه با مفاهیم اسلام، حقوق بشر و سکولاریسم و یا ترکیبی از آنها بوده است.

مفاهیم اسلام

واژه اسلام از ریشه « س-ل-م » در زبان عربی و به معنای عافیت و صحت و دوری از هرگونه عیب و نقص و فساد (طبرسی، ۱۴۰۶، ج ۲: ۷۱۵؛ ابن فارس، ۱۳۹۹، ج ۳: ۹۰-۹۱؛ مصطفوی، بیتا، ج ۵: ۱۹۱-۱۹۲) و در باب افعال به معنی « اطاعت کلی و بی قید و شرط و تسلیم محض بودن »، « اذعان به حکم الهی » و « اخلاص در عبادت » است (ابن منظور، ۱۴۰۵، ج ۱۲: ۲۴۵). این واژه از نظر تاریخی ریشه در دوره جاهلیت داشته و برای تو صیغ کسی بکار میرفته که از چیزی ارزشمند گذشته و آنرا به دیگری واگذار می‌کند و اگر آن چیز ارزشمند خود شخص باشد آنگاه در این صورت اسلام به معنی اطاعت کلی و بی قید و شرط و تسلیم محض بودن معنا میشود. دیدگاه اسلام بر این است که انسان باید با استفاده از عقل، که مرز میان مطلق و نسبی تشخیص می‌دهد، تسلیم اراده امر مطلق شود، در نتیجه اصطلاح مسلمان به معنای کسی است که با انتخاب خود پذیرفته است که اراده اش را مطیع اراده الهی سازد (نصر، ۱۳۸۲: ۳۱).

اسلام در اصطلاح در چهار معنا بکار رفته که به شرح زیر است:

۱. مسلمان کسی است که با استفاده از عقل و اختیار خود یک شریعت و حیانی را می‌پذیرد. در واقع هر کسی، خواه یهودی، مسیحی و یا زرتشتی، که نوعی وحی الهی را می‌پذیرد به عام‌ترین معنای کلمه مسلمان است.
۲. همه مخلوقات هستی که شریعت و قوانین الهی را می‌پذیرند، مسلمان هستند. با توجه به این تعریف، جز انسان هیچ مخلوق دیگری اختیار ندارد، در نتیجه هر چیزی در دنیا بغیر از انسان به معنای واقعی کلمه مسلمان است و انسان بدلیل اختیاری که به وی امانت داده شده است می‌تواند از تسلیم شدن در برابر اراده خداوند سر باز زند.
۳. مسلمان یک معنای والا نیز دارد که این معنا در رابطه با اولیاء بیان میشود. در میان تمامی مخلوقات خدا، تنها انسان است که نسبت به وجود خویش علم آگاهانه دارد. در این معنا ولیّ تمان لحظات زندگی اش را بر طبق ناموس و قوانین الهی به سر می‌برد اما آگاهانه و به اختیار خویش چنین می‌کند (نصر، ۱۳۸۲: ۳۱-۴۱).
۴. اسلام در معنای خاص تر آخرین شریعت الهی است که در حدود چهار قرن پیش توسط پیامبر اکرم (ص) به انسانها ابلاغ شد. در این معنا اسلام حقیقتی است که شامل انسان و محیط پیرامون اوست (طباطبایی، بیتا، ج ۱: ۳۰۱).

در تعریفی کلی میتوان گفت که اسلام، دینی است که در قرن هفتم میلادی توسط پیامبر اکرم، محمد (صلی الله علیه و سلم) در عربستان بنیان گذاری شد که باور به یک خدا و پیروی از آموزه ها و دستورات او را تأکید می کند و در معنای کلی یعنی تسلیم و تابعیت در برابر خداوند. پایه های اساسی اسلام به عنوان دین شامل پنج رکن اصلی است که عبارتند از توحید (پذیرش و اعتقاد به وحدت و توحید خداوند)، نبوت (اعتقاد به پیامبران الهی و قبول پیامبر محمد به عنوان آخرین پیامبر)، کتاب (کتابهای الهی، قبول و احترام به کتب الهی قبلی اعم از تورات، زبور، انجیل و قرآن)، معاد (اعتقاد به روز جزا و قیامت و جاودانگی روح) و شریعت (قبول و پیروی از قوانین و دستورات الهی که در قرآن و سنت پیامبر محمد (صلی الله علیه و سلم) است).

فقه

فقه در لغت به معنی فهم، علم و زیرکی است (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۳: ۳۷۰) و در اصطلاح عبارت است از علم به احکام شرعی یا به بیانی دیگر شناخت و کسب وظیفه عملی مکلف از منابع و ادله شرعی (مشکینی، ۱۴۱۶: ۴۸۰). واژه «فقه» در رویکرد خاص و یا به عبارتی «فقه اصغر»، به معنای علم و آگاهی دقیق به احکام شرعی عملی تعریف میشود (شهید اول، ۱۴۱۹ق، ج ۱: ۴۰) و در رویکرد عام یا همان «فقه اکبر»، عقاید و اصول دین، اخلاق و عرفان، احکام و معارف دینی را شامل میشود (تهانوی، ۱۴۱۸ق، ج ۳: ۴۷۸). فقه دارای منابع چهارگانه کتاب (قرآن)، سنت، اجماع و عقل است که به آنها در اصطلاح ادله اربعه یا «دلایل چهارگانه» اطلاق میشود و فقها از آنها جهت استنباط احکام شرعی استفاده می کنند.

علامه طباطبایی در رابطه با تعریف «فقه» چنین مینویسد: «مقصود از تفقه در دین، فهمیدن همه معارف دینی از اصول و فروع آن است نه خصوص احکام عملی» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۹: ۵۵۰). از نظر آیت الله خامنه ای منظور از «فقه»، علم دین است یعنی علم به معارف الهی و عقاید، علم به حقه و علم اخلاق و تنها داشتن درک و دانش به احکام فرعی مد نظر فقه نمیباشد، همچنین آیت الله خامنه ای در این رابطه چنین بیان می کند: «فقه الدین، فقه فقط فروع نیست فقه اکبر، توحید و معارف است» (خامنه ای، ۱۳۸۳، تیر ۱۵).

بطور کلی میتوان گفت که «فقه» مفهومی است در اسلام که به نظام حقوقی و قانونی دین اسلام و قوانین شرعی مربوط می شود. فقه شامل بررسی و تبیین قوانین دینی در زمینه های مختلف از جمله عبادات، معاملات، احوال شخصی، میراث، جرایم و غیره است و هدف از آن، کشف احکام الهی است. قوانین الهی در مورد تمامی وقایع و موضوعات روزمره زندگی انسان بصورتی دقیق و مطابق با مقتضیات زمان بیان نشده و هدف از دانش فقه آن است که با استفاده از منابع و براهین فقهی، در تمامی زمینه هایی که انسان نیازمند به فهم فرامین الهی است به جست و جو پرداخته و قوانین را مو شکافی کرده و در هر زمینه خاصی قوانین مربوطه شناسایی کند (جناتی، ۱۳۷۴: ۸). در این راستا فعالیتی را که فقیه جهت کشف و شناسایی احکام الهی انجام می دهد، استنباط و یا اجتهاد می نامند.

بر اساس تعاریف ارائه شده در رابطه با «فقه»، آنچه که بدست می آید این است که تمامی قوانین و مقررات عملی فردی و اجتماعی اسلام، تشکیل دهنده موضوع فقه هستند (نوری، ۱۳۷۸: ۱۵؛ موسوی، ۱۳۷۹: ۴۹).

فقه امامیه

یکی از مذاهب فقهی در دین اسلام، فقه امامیه است که نقشی اساسی در شکل گیری فرهنگ و تمدن اسلامی ایفا کرده است. پیروان این مذهب شیعیان دوازده امامی هستند و از آنجا که به گفته های منسوب به جعفر صادق (ع)، امام ششم شیعیان وابستگی بسیاری دارد، به فقه جعفری نیز معروف است و بر پایه منابع اصلی اسلامی، یعنی قرآن، سنت پیامبران (ص) و ائمه شیعه (ع)، عقل و منطق، اجماع (اتفاق نظر) فقها و مجموعه استدلال ها و استنباط های حاصل از این منابع استوار است. پیش از عصر امام صادق (ع)، فقه امامیه از حیث منابع نقلی بیشتر متکی و مبتنی بر مواضع فقهی منقول از حضرت علی (ع) بوده است و از نظر طرق دستیابی به

احکام از نوعی تنوع نسبی برخوردار بوده است. تا اوایل قرن ۲ هجری قمری، با وجود اختلافات عمیق اعتقادی حاکم بر افکار، گروه‌های گوناگون شیعی در زمینه مسائل فقهی پیوستگی خود را حفظ کرده بودند. کوشش‌های امام صادق (ع) سبب شد که مذهب امامیه با چارچوبی منسجم عرضه شود و این مذهب، نام مذهب جعفری را به خود گرفت (پاکتچی، ۱۳۷۵: ۱۴-۱۷).

سکولاریسم^۱

در معاهده وستفالی در سال ۱۶۴۸، سکولاریسم به معنای خروج سرزمین‌هایی از مالکیت کلیسا بکار برده شد. پس از آن به تدریج در معانی مختلفی از جمله تفکیک دین از سیاست، برتری دولت بر کلیسا، ترخیص کشیشان، و در نهایت طرد دین از حیات اجتماعی انسان به کار برده شد. بطور کلی این مفهوم در طول تاریخ معانی بسیاری را به خود اختصاص داده است. میتوان گفت این اصطلاح در حقیقت عقیده‌ایی مبتنی بر جدایی حکومت از دین و مقام‌های دینی یا به عبارت دیگر جدا انگاری دین از سیاست است (پارسا، ۱۳۷۵: ۷۳).

در فرهنگ جدید وبستر در رابطه با این اصطلاح بیان میشود که سکولاریسم یعنی عدم تاثیر نهادهای مذهبی و دینی بر فرهنگ عمومی، آموزش و سایر مسائل مدنی و امور عمومی در جامعه (دیکشنری جدید زبان انگلیسی وبستر^۲، ۱۹۸۸: ۸۶). در فرهنگ لغت کمبریج^۳ در این رابطه چینی آمده است: سکولاریسم در حقیقت نوعی اعتقاد است که بر اساس آن مذهب نباید در فعالیت‌های روزمره اجتماعی و سیاسی دخالت کند (وبگاه فرهنگ لغات کمبریج: ذیل واژه سکولاریسم).^۴ در تعریفی که دایره المعارف بریتانیکا از سکولاریسم ارائه داده است بیان میشود که این واژه از «سکولار^۵» گرفته شده و به معنای لائیک^۶ یعنی دخالت نکردن دین در امور دولتی است (عیوضی، ۱۳۹۲: ۴۲-۴۳). سکولاریسم به معنی دنیوی، زمینی، غیر روحانی و جدایی دین از سیاست است و در برابر مقدس‌گرایی یا روحانی‌گرایی^۷ قرار میگیرد (شاکرین، ۱۳۸۷: ۱۱).

عبدالکریم سروش در رابطه با سکولاریسم بیان می‌کند که این اصطلاح به معنی علمی و عقلانی شدن تدابیر جامعه، بصورت آگاهانه دین را از صحنه زندگی و سیاست به کناری گذاشتن و غیر دینی و علمی شدن حکومت است (سروش، ۱۳۷۶: ۴۲۳-۴۲۴). در خصوص این اصطلاح علامه محمد تقی جعفری بیان می‌کند که سکولاریسم یعنی مخالفت با مطالب دینی و روح دنیا داری، طرفداری از اصول دنیوی است. این اصطلاح به معنی مخالفت با شرعیات، غیر مذهبی و غیر روحانی شدن است (جعفری، ۱۳۹۲: ۵۱-۱۷۸).

ظرفیتهای فقه امامیه در تقابل با سکولاریسم

ظرفیتهای فقه در حقیقت توانایی‌ها و قابلیت‌هایی هستند که این دانش را قادر به پاسخگویی به نیازها و مسائل شرعی جامعه می‌کند. دانش فقه توانایی تطبیق احکام شرعی با شرایط واقعی، استنباط احکام از منابع اسلامی و استدلال برای حل مسائل شرعی را دارد. اندیشمندان علم فقه و فقها دانش گسترده‌ایی در زمینه احکام شرعی، اصول و مبانی فقهی، تفسیر قرآن و سنت، تاریخ اسلام و سایر زمینه‌های مرتبط با دین اسلام را دارند که از آن طریق توانایی توانایی تحلیل و بررسی مسائل شرعی و ارائه

1. Sécularisme

2. New Webster's Dictionary of the English Language

3. Cambridge

4. dictionary.cambridge.org

5. Secular

6. Laic

7. Sacramentalism

استدلال‌های منطقی و فقهی در رابطه با نیازهای جامعه را دارا هستند و قادرند بر اساس شروع پیروی از مراجع تقلید، به تفسیر و تبیین احکام در مواقع مختلف پردازند. این دانش بر بر تکریم و حفظ حقوق انسانی و اعمال عدالت در احکام شرعی تأکید دارد و اندیشمندان این علم در تلاشند حقوق افراد و عدالت را در جوامع پیاده کنند. بر این اساس این دانش توانایی همکاری و تعامل موثر با دانشمندان و اساتید در دیگر حوزه‌های علمی را دارد و دانش فقه در ترکیب با سایر دانش‌ها در حوزه‌های مختلف قادر به پاسخگویی و حل مسائل روزمره جامعه است.

در ادامه برخی از ظرفیت‌های فقه امامیه در تقابل با سکولاریسم را مطرح خواهیم کرد. همانطور که پیشتر بیان شد، هدف از نگارش این پژوهش بررسی ظرفیت‌های فقه امامیه در تقابل با سکولاریسم است و سعی میشود تا ظرفیتهای فقه بصورتی مختصر و مفید در راستای هدف پژوهش بیان شود.

ظرفیت عقل

اندیشمندان علم معرفت عقل را از منابع شناخت می‌دانند و بر این عقیده‌اند که با استفاده از آن میتوان مفاهیم کلی را درک کرد (حسین‌زاده، ۱۳۹۳: ۳۸). در علم جهاد عقل دو کاربرد استقلالی و غیر استقلالی را دارد که در کاربرد استقلالی بعنوان منبعی مستقل در کنار کتاب، سنت و اجماع قرار می‌گیرد. قانون ملازمه که از قوانین ثابت و مقبول فقه است در رابطه با عقل چنین بیان می‌کند که « کُلُّ مَا حَكَمَ بِهِ الْعَقْلُ حَكَمٌ بِهِ الشَّرْعُ » به این معنی که هر چیزی که عقل حکم می‌کند، شرع نیز حکم می‌کند. در نتیجه میتوان گفت روایتی وجود ندارد که استفاده از عقل در استنباط احکام را منع کند و آنچه که از روایات استنباط میشود ممنوعیت قیاس، افتای به غیر علم و استنباط با عقول ناقص و مانند آن است (انصاری، بی‌تا: ۶۲؛ انصاری، بی‌تا: ۶۲؛ بهسودی، ۱۳۸۶: ج ۳: ۳۴). محمدرضا مظفر از فقیهان سده چهاردهم هجری قمری، عقل را در کنار قرآن، سنت و اجماع از منابع چهارگانه استنباط احکام شرعی به حساب می‌آورد (مظفر، ۱۴۳۰ق، ج ۱: ۵۱). فقیهان شیعه از عقل در اجتهاد بسیار استفاده میکنند. برخی از کاربردهای عقل در استنباط مسائل فقهی به شرح زیر است:

منبع حکم شرعی در کنار کتاب و سنت: در این تعریف بیان میشود که در مواردی عقل بصورت مستقل بعضی از احکام شرعی را ارائه میدهد همچون احکامی که از طریق حسن و قبح عقلی به دست می‌آید. در مواردی نیز عقل در کنار یک حکم شرعی قرار می‌گیرد تا حکمی دیگر را اثبات کند، مانند آن زمانی که با اثبات ملازمه میان یک حکم شرعی و یک حکم عقلی، به حکم شرعی جدیدی می‌رسیم.

اثبات اعتبار متون دینی: زمانی که حکمی با حکم قطعی عقل، مخالفت نداشته باشند، یکی از شرایطی است که تحت آن اعتبار روایتی تایید میشود و به محتوای آن عمل میشود. بعنوان مثال بدلیل آنکه معصومیت پیامبر (ص) با دلایل عقلی قطعی به اثبات رسیده است، در نتیجه روایتی که دلالت بر عدم معصومیت او دارد از اعتبار برخوردار نیست.

کمک به استنباط حکم شرعی از کتاب و سنت:

بعضی از قواعد فقهی که با استفاده از آنها میتوان احکام شرعی را از کتاب و سنت استنباط کرد، به کمک عقل، کشف می‌شود (ضیائی‌فر، ۱۳۸۲: ۲۳۰-۲۳۴).

ظرفیت زمان و مکان

در لغت زمان به معنای « وقت » و مکان به معنای « محل » است، در حالیکه برخی از اندیشمندان علم فلسفه در یونان باستان زمان را امری موهوم میدانستند اما اغلب فلاسفه به ویژه مسلمانان، آن را امری واقعی و حقیقی و حتی در بعد چهارم ماده میدانند (کاپلستون، ۱۳۶۸، ج ۱: ۶۸). در ادامه به مواردی از مفهوم زمان و مکان اشاره خواهد شد که در موضوعات و مسأله‌های فقهی و اجتماعی نمود پیدا می‌کند و مرتبط با آنهاست:

- به معنای تحولات طبیعت و تاریخ: در این مفهوم منظور از زمان یک مقطع خاص تاریخی و منظور از مکان، طبیعت است و زمانیکه هر دو با هم اطلاق میشوند به معنای وقایع و حوادث تاریخی و طبیعی، مانند انقلابها و تغییر نظام‌های حاکم و یا حوادثی نظیر حوادثی مثل زلزله و سیل و... است. زمان و مکان در این معنا با موضوعات فقهی ارتباط دارد بخصوص در موارد مربوط به احکام حکومتی و تشخیص مصلحت که با شرایط زمانی و مکانی خاص ارتباط نزدیکی دارند.
- به معنای افعال زمانی و مکانی انسان: اراده انسانها تحت تاثیر علوم و دانش در هر زمان تغییر می‌کند که این امر نهایتا منجی به تحولات اجتماعی و فردی میشود و این موضوع رابطه نزدیکی با فقه دارد. این مفهوم را میتوان با این مثال توضیح داد که در صدر اسلام برداشت مردم از شطرنج وسیله ای برای تقویت فکر بود که همین امر سبب شد احکام در خصوص این بازی فکری تغییر کند.
- به معنای مجموعه تفکرات انسان در هر زمان و مکان: انسان در مقاطع زمانی و مکانی مختلف با در نظر داشتن پیشرفت علوم و تکنولوژی دیدگاههای متفاوتی نسبت به جامعه و تاریخ و طبیعت پیدا می‌کند که در نتیجه منجر به ایجاد تغییر در رفتار و اعمال او میشود. همین امر گاهی سبب تغییر در موضوعات فقهی میشود و برخی احکام دگرگون میشوند.
- به معنای تمدن جدید: در زندگی بشر تحولات گوناگون در مکان و در طی زمان رخ میدهد. به بیان دیگر زمانی که تمدنی جدید شکل میگیرد انبوهی از تحولات در زندگی بشر را به همراه خود دارد و آنچه که ما بعنوان انسان لمس میکنیم مسائل مادی و معیشتی این تمدن است. در حالیکه علاوه بر مادیات، مفاهیم نیز دگرگون میشود. تاثیر تمدن جدید در تشخیص موضوعات جدید و نیز در استنباط احکام، در مسائل و موضوعات فقهی غیر قابل انکار است (مجتهد شبستری، ۱۳۷۳: ۴۹). در این رابطه میتوان به نامه امام خمینی (ره) که به یکی از فضلاء قم نوشتند اشاره کرد که در آن بیان داشتند اگر شما فلان نظر را بدهید، به این معنی است که تمدن جدید را نمی‌پذیرید در حالی که باید تمدن جدید را بپذیریم^۱ (خمینی، ۱۳۶۸، ج ۲۱: ۳۴)
- زمان و مکان وقایع اجتماعی: در هر زمان وقایع اجتماعی، سیاسی و مذهبی، بر تصمیمات علما تاثیر داشته و گاهی منجر به صدور فتوایی هم شده است مانند نهضت تحریم تنباکو که توسط میرزای شیرازی در سال ۱۲۷۰ هجری شمسی جهت لغو قرارداد تنباکو میان دولت ایران با شرکتی انگلیسی به وقوع پیوست.
- مفهوم زمان و مکان در شناخت موضوعات جدید: مفهوم زمان و مکان، منحصر در شناخت موضوعات جدید خلاصه نمیشود و گاهی در شیوه استنباط هم تاثیر دارد و منجر به تغییر برخی از فتواها میشود (مجتهد شبستری، ۱۳۷۳: ۵۰).
- مقتضیات زمان و مکان: از نظر استاد شهید مطهری برای مقتضیات زمان و مکان سه معنا مطرح است که عبارتند از:
 ۱. در هر زمان پدیده‌هایی ایجاد شده است که انسان باید از آنها پیروی کند و خود را با وقایع هر دوره تطبیقی دهد.
 ۲. در هر دوره‌ای ذوق و سلیقه مردم متفاوت است و مقتضیات زمان به این معنا است که تقاضای مردم در هر زمان متفاوت از زمانهای دیگر است پس اکثریت میگویند بینیم چه میگویند تا از آن تبعیت کنیم، مانند پدیده مد و لباس.
 ۳. احتیاجات واقعی بشر در طول زمان تغییر می‌کند و هر احتیاجی نشان از یک نوع تقاضا است، پس ابزار و وسایل در هر دوره با دیگر دوره‌ها فرق دارد و با پیشرفت علم و تکنولوژی تکامل مییابد و انسان ناگزیر از تبعیت از آن است (مطهری، ۱۳۸۰، ج ۲: ۱۸۴-۱۹۴).

نصوص عام قرآنی

مراد از نصوص عام، اسناد معتبر شرعی است که دارای صلاحیت جهت استنباط یک قانون عام از آن وجود دارد. بعنوان نمونه

۱. پاسخ به نامه ۶۷/۷/۲، مضمون سخن امام (ره)

در استنباط احکام مربوط به قراردادها، اسنادی عام از قرآن کریم و روایتها از سوی فقیهان بکار گرفته شده است. با وجود اینکه این اسناد بحثی جامع و مستقل درباره احکام مربوط به قراردادها ندارند اما صلاحیت لازم جهت استنباط احکام را دارا میباشند. بعنوان مثال آیه ۱ از سوره مائده چنین بیان می کند: « يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ »^۱ (مائده، ۵: ۱) به این معنا که « ای کسانی که ایمان آورده اید به پیمانها و قراردادها وفا کنید »، همانطور که مشاهده میشود این آیه از قرآن مضمونی در رابطه با معامله داشته و به موردی خاص، اشاره و اختصاص ندارد (حرّ عاملی، ۱۳۹۸: ۴۰-۴۱)، لذا فقها و اندیشمندان علم فقه در کتب مربوط به آیات الاحکام و قواعد فقهیه، همچنین در کتابهای فقهی خود بر این دسته از اسناد و ادله تأکید بسیاری کرده و در همواره در تلاش برای استخراج قاعده و قوانین از آنها هستند تا بتوانند خود را با جامعه و وقایع درون آن در طول تاریخ (زمان و مکان) وفق داده و بتوانند در عین دینداری عدالت و دموکراسی را در جامعه پیاده سازند.

رصد منابع

همانطور که پیشتر نیز بیان شد، منابع جهت استنباط احکام در منابع چهارگانه منحصر است. این منابع چهارگانه بخصوص عقل، در مصداقهایی بازتاب دارند که نمود آن مصداقها گاهی در همین منابع وجود دارد اما زمانی که نوبت به تجزیه و تحلیل میرسد و مصداقها تجزیه و تحلیل میشوند، استنباط کننده باید بازتاب این منابع چهارگانه را در قالبها دیگر نیز بررسی کند و وجه بازگشت آن را تبیین نماید. بعنوان مثال در تجسد عقل در قالبهای عرف، بیان میشود که عرف که منبع شریعت است، بعنوان ابزاری در خدمت کشف اسناد قرار دارد و بر این اساس اینکه عرف را در کنار منابع چهارگانه جی دهیم غلط است، در این راستا آنچه‌ی که از اهمیت بسیاری برخوردار است و باید با دقت بسیاری انجام گیرد، کالبدشکافی، مبدأشناسی و پیشینه کاوی عرف ها، هنجارهای عقلا است (علیدوست، ۱۳۸۵: ۲۰۶-۲۰۷).

بر سر راه کالبد شکافی بنای عقلا و عرف مشکلی وجود دارد و آن مه آلود بودن فضایی که در آن عرف پدیدار میشود به این معنا که بر فرض فقیه با عرفی جهانی روبرو است اما علت، ملاک و مناط این عرف در تمام جوامع یکی و یکسان نیست (ر.ک: حائری، ۱۴۰۸ق، ج ۲: ۱۱۴) و این بر عهده فقیه است تا در تحلیل عرفها و تأسیسات عقلا نهایت دقت و پیجویی را انجام داده و با کالبد شکافی، مبدأشناسی و پیشینه کاوی عرفها معلوم کند که که بسیاری از آنها خاستگاه صحیح عقلانی دارند و بطور کلی از این ظرفیتها در جهت حل مسائل جامعه چه در سطح اجتماعی، سیاسی و فرهنگی بگوشد و در عین دینداری و برقراری عدالت، دموکراسی و سکولاریسم را پیاده سازی کند.

نظام وار دیدن شریعت

داشتن نگاه نظام مند نسبت به شریعت یعنی توجه کلی به شریعت که میتواند حلقه‌های مفقوده را پوشش دهد. به این معنی که فقه همچون آیینی برای شریعت جامع و جهانی و جاودان است در نتیجه مجتهدان باید از طریق کنار هم قرار دادن جزئیات و فرعیات استنباطهای خویش به آیین تمام نمای شریعت اسلام برسند. بطور کلی میتوان گفت نظاموار دیدن شریعت به معنای برداشت از اسناد ملفوظ، ظهورسازی و ظهورشکنی است که این مورد ظرفیتی بزرگ در فقه محسوب میشود. برخی از صاحب نظران در علم فقه همچون شهید صدر همواره بدنبال کشف نظامی همگن بوده اند، صدر معتقد است که اسلام دارای مذهب اقتصادی است که میتوان به آن دست پیدا کرد (صدر، ۱۴۰۱ق: ۱۳۸) و پیشنهاد میدهد که محققین اقتصاد اسلامی در مواردی که ناهماهنگی از احکام ه سانتند از مستنبط دیگر و مجتهدان فقه کمک بگیرد و مجموعه بدست آمده از این همکاری دارای بیشترین

۱. « يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ أُحِلَّتْ لَكُمْ بَهِيمَةُ الْأَنْعَامِ إِلَّا مَا يُتْلَى عَلَيْكُمْ غَيْرِ مُجَلِّي الصَّيْدِ وَأَنْتُمْ حُرْمٌ إِنَّ اللَّهَ يَحْكُمُ مَا يُرِيدُ » : ای کسانی که ایمان آورده اید، به پیمانها و قراردادها وفا کنید، چهارپایان و جنین آنها برای شما حلال شده است؛ مگر آنچه بر شما خوانده می شود. و به هنگام احرام، صید را حلال نشمرید، خداوند هر چه بخواهد و مصلحت باشد را حکم می کند.

هماهنگی و انطباق را با واقع تشریح اسلامی را دارد (همان، ۱۳۷۵: ۳۶۹-۴۰۶). اینطور بنظر میرسد که با توجه به فرمایشات شهید صدر، فتوای که یک مجتهد با توجه به مبانی اجتهادی خویش میدهد، فقط برای او و پیروان و مقلدینش حجت میباید و برای فقیه و حاکم شرع دیگر، دارای اعتبار نیست. اما آنچه که در فرمایش شهید صدر قابل انتقاد است آن است که از یک سو به به درک عقل و استصلاح مبتنی بر آن توجهی ندارد و از طرفی دیگر به مقاصد شریعت، مجموعه شریعت و مسلم انگاشتن آن بیتوجه است. لذا اگر فقیهی بر اساس ادله اربعه و با در نظر داشتن مقاصد و مجموعه شریعت به استنباط پردازد در نتیجه به نقطه کور و مبهمی در استنباطش و در هیچ زمینه‌ای بر نمی‌خورد (علیدوست، ۱۳۸۸: ۸۰۰-۸۰۱).

اصول عملیه

أصول عمَلیّه که ریشه در روایات اهل بیت (ع) دارد، در حقیقت مجموعه‌ایی از قواعد است در هنگام شک، مشخص کننده حکم شرعی و وظیفه عملی فرد است (مظفر، ۱۴۳۰، ج ۲: ۲۳۴). کاربرد این اصول علمیه آنجاست که فقیه و مجتهد پس از آنکه در ادله اربعه جست‌وجو می‌کند و نمی‌تواند حکم شرعی را بیابد در نتیجه از اصولی که از طرف شارع تعیین شده است استفاده می‌کند. اصول عملیه یا در تمامی باب‌های مربوط به فقه بکار می‌روند از جمله اصل برائت، احتیاط، تخییر و استصحاب و یا در بخش‌های خاص مانند اصاله الطهاره و اصاله الصحه بکار گرفته میشوند (پاکتچی، ۱۳۷۵، ج ۱: ۲۸۵). در استفاده از این اصول نباید زیاده روی کرد چراکه ابتدا باید حکمی باشد و سپس مکلف به آن شک کند و به آن جهل داشته باشد و بعد از آن بدنبال بررسی در این اصول باشد (انصاری، ۱۴۲۸، ج ۱: ۳۰۸). در این راستا میتوان گفت در رابطه با حکومت و احکام در جامعه اسلامی، در صورت ایجاد شک در موضوع حکمی میتوان به اصول علمیه مراجعه کرد و در کنار داشتن جمعه دینی، دموکراسی و سکولاریسم را پیاده کرد.

نتیجه‌گیری

دانش فقه بر اساس آموزه‌های وحی و سخنان پیامبران و اوصیا، در طول تاریخ کهنش به چارچوبها و ضرورت‌هایی دست یافته است که مجموعاً هنجارهای اجتهاد را پایه‌ریزی می‌کند. هرگونه تحول و پاسخگویی به مسائل باید مطابق و منطبق با هنجارهای ضرور اجتهاد انجام شود. دانش فقه استوار بر ادله اربعه یعنی کتاب (قرآن)، سنت، اجماع و عقل است و دارای توانائی‌ها و قابلیت‌هایی برای پاسخگویی به نیازها و مسائل شرعی است که از ان با نام ظرفیت‌های فقه یاد میشود. همانطور که در طول پژوهش بیان شد، ظرفیت‌های فقه امامیه، یعنی مبانی و اصول حقوقی و فقهی شیعه، در مقابل سکولاریسم و برقراری جامعه می‌تواند بسیار مؤثر و مناسب باشد. البته در تعامل با چالش‌ها و مسائل مربوط به سکولاریسم باید توجه داشت که با وجود اینکه این ظرفیت‌ها برای پاسخ به سوالات و مسائل معاصر نیاز به تفسیر و ارتقاء دارند، اما در موارد بسیاری همانطور که بیان شد، ادله اربعه و بطور کلی ظرفیت‌های موجود در فقه همچنان پاسخگویی مناسب و کامل به مسائل میدهند و استناد به منابع دینی و فقهی می‌تواند در دستاورد و ارائه نظرات به شأن سکولاریسم کمک کند.

با وجود آنکه معنای سکولاریسم تاکید بر جدایی دین از سیاست و اداره جامعه دارد و در رابطه با این مفهوم و نسبت و تأثیر آن بر اندیشه دینی و تقابل آن با دین و فقه، میتوان در ابعاد جهانی و همچنین در بعد کشور خودمان ایران سخن‌های بسیار گفت، اما بطور مختصر میتوان گفت که فقه امامیه، با توجه به مفهوم حقوق انسان در اسلام و مبانی معنوی و اخلاقی آن، می‌تواند به پاسخگویی به چالش‌های سکولاریسم و ارائه الگوهایی برای زندگی در یک جامعه چند فرهنگی کمک کند. ضمناً، فقه امامیه به عنوان یکی از مکتب‌های فقه اسلامی، به قوانین خداوند و مبانی اصلی دینی توجه دارد که می‌تواند به عنوان مرجعی برای تقابل با سکولاریسم عمل کند. قوانین اسلامی، اصول اخلاقی و اجتماعی، نظام حاکمیت و سایر مسائل مرتبط با سیاست و اجتماع در فقه امامیه که بر پایه احکام دینی استوار است، می‌تواند به عنوان ضرب‌المثل‌های ولایت مطلقه و مسئولیت مختارانه، در مقابله با اندیشه و ارزش‌های سکولاریسم مورد استفاده قرار گیرد. با این حال، در مسائل حساس و جزئی جامعه در در استفاده از ظرفیت‌های فقه

امامیه در تقابل با سکولاریسم باید به روش های مناسب و پذیرفتنی از طریق دارالافتاء و مراجع تقلید، با توجه به تحولات عصری و نیازهای جامعه پا سخ داده شود. همچنین، برای انتقال پیام فقه امامیه به جامعه و نهادها، نیاز به فهم عمومی و صحیح از مفاهیم و اصول این فقه داریم. به طور کلی، ظرفیت های فقه امامیه می تواند در تقابل با سکولاریسم موثر بوده و الگوهایی مناسب برای زندگی و مشارکت در جامعه ارائه کنند.

منابع

- اخلاقی، بهروز و، امام، فرهاد، (۱۳۷۹): اصول قراردادهای تجاری بین المللی، موسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی شهر دانش، تهران، چاپ اول.
- امامی، سیدحسن، (۱۳۸۱): حقوق مدنی، کتابفروشی اسلامی، تهران، چاپ بیست و دوم، ج ۱.
- امامی، سیدحسن، (۱۳۷۹): حقوق مدنی، کتابفروشی اسلامی، تهران، چاپ نهم، ج ۶.
- امامی، حسن، (۱۳۳۴): حقوق مدنی، تهران، نشر اسلامی.
- امیری قائم مقامی، دکتر عبدالمجید، (۱۳۵۶): حقوق تعهدات تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- بهرامی حمید، (۱۳۷۰): سوءاستفاده از حق، انتشارات اطلاعات، تهران، چاپ دوم.
- بهرامی، بهرام، (۱۳۸۸): بایسته های تفسیر قوانین و قراردادهای. تهران: انتشارات نگاه بینه.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، (۱۳۸۸): وسیط در ترمینولوژی حقوق، گنج دانش، تهران، چاپ دوم. - جعفری لنگرودی، محمدجعفر، (۱۳۸۶): الفارق، گنج دانش، تهران، چاپ اول، ج ۲.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، (۱۳۸۷): تاثیراراده در حقوق مدنی، گنج دانش، تهران، چاپ دوم.
- حبیبی، محمود، (۱۳۸۹): تفسیر قراردادهای تجاری بین المللی، تهران، انتشارات میزان، چاپ اول
- سنهوری، عبدالرزاق احمد، (۱۳۸۲): الوسیط فی شرح القانون المدنی الجدید، ترجمه محمد حسین دانش کیا و سید مهدی دادمرزی، انتشارات دانشگاه قم، ج ۱.
- شعاریان، ابراهیم، ترابی، ابراهیم، (۱۳۷۹): اصول حقوق قراردادهای اروپا و حقوق ایران، انتشارات فروزش، تبریز، چاپ اول.
- شمس، عبدالله، (۱۳۸۳): آیین دادرسی مدنی، انتشارات دراک، تهران، ج ۳.
- شهیدی، مهدی، (۱۳۷۹): حقوق مدنی، اصول قراردادها و تعهدات، تهران، نشر حقوقدان.
- شهیدی مهدی، (۱۳۸۳): تشکیل قراردادها و تعهدات، مجد، تهران، چاپ دوم.
- صاحبی، مهدی، (۱۳۷۶): تفسیر قراردادها در حقوق خصوصی، تهران، انتشارات ققنوس چاپ اول
- صفایی، سیدحسین، و همکاران، (۱۳۹۰): حقوق بیع بین المللی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- صفایی، سیدحسین، عادل مرتضی، کاظمی محمد، میرزائزاد اکبر، (۱۳۸۷): حقوق بیع بین المللی با مطالعه تطبیقی، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ دوم.
- صفایی، سیدحسین، (۱۳۸۲): قواعد عمومی قراردادها، نشر میزان، تهران، چاپ اول.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین، (۱۳۷۴): میزان، موسسه نشر اسلامی، قم، چاپ پنجم، ج ۱۰.
- ضیایی بیگدلی، محمدرضا، (۱۳۸۳): حقوق بین الملل عمومی، تهران، انتشارات گنج دانش.
- قشقایی، حسین، (۱۳۷۸): شیوه تفسیر قراردادهای خصوصی در حقوق ایران و نظام های حقوقی معاصر، قم، مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی پژوهشکده فقه و حقوق، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، چاپ اول
- کاتوزیان، ناصر، (۱۳۶۸): قواعد عمومی قراردادها، جلد سوم، تهران، انتشارات بهشهر.
- کاتوزیان، ناصر، (۱۳۷۶): قواعد عمومی قراردادها، اجرای عقد و عهد شکنی، مسئولیت قراردادی، تهران، نشر شرکت سهامی انتشار

با همکاری شرکت بهمن برنا

- کاتوزیان، ناصر، (۱۳۸۷): قواعد عمومی قراردادها، شرکت سهامی انتشار، تهران، چاپ پنجم، ج ۳.
- کاتوزیان، ناصر، (۱۳۸۵): قواعد عمومی قراردادها، شرکت سهامی انتشار، تهران، چاپ هفتم، ج ۱.
- کاوایی کوروش، (۱۳۸۳): حقوق اسناد تجاری، نشر میزان، تهران، چاپ اول.
- گروهی از نویسندگان، (۱۳۷۴): تفسیری بر حقوق بیع بین المللی کالا، ترجمه دکتر مهربان داراب پور، گنج دانش، تهران، چاپ اول، ج ۱.
- گیلانی، میرزا ابوالقاسم (میرزای قمی)، (۱۴۱۳): جامع الشتات فی اجوبه السوالات، موسسه کیهان، تهران، ج ۴.
- مجتهد شبستری، محمد، (۱۳۸۴): هرمنوتیک، کتاب، سنت، طرح نو، تهران، چاپ ششم.
- مراغی عبدالفتاح بن علی (میر فتاح)، (۱۴۱۷). عناوین، انتشارات جامعه مدرسین، قم، ج ۲.
- الموسوی البجنوردی، حسن. قواعد الفقهیه، جلد سوم، قم، نشر الهادی.
- موسی زاده، دکتر رضا، (۱۳۸۳): حقوق معاهدات بین المللی. تهران: انتشارات میزان.
- نجفی، شیخ محمد حسن، (۱۴۱۲): جواهرالکلام فی شرح شرایع الاسلام، جلد ۲۲، بیروت، مقالات
- امامی، اسداله، (۱۳۶۴): نقش اراده در قرار دادها، فصل نامه حق، ش ۴.
- ایرانپور، فرهاد، (۱۳۸۱): نگاهی اجمالی به اصل حاکمیت اراده در حیطه انتخاب قانون حاکم بر تعهدات ناشی از قراردادهای تجاری، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران
- بجنوردی، سید محمد، (۱۳۶۸): نقش حسن نیت در عقود و قراردادها در فقه و حقوق، مجله حقوق و علوم سیاسی، ش ۲
- شریعت باقری، محمدجواد، (۱۳۹۱): حاکمیت اراده بر قرارداد های بین المللی خصوصی، مجله دیدگاه های حقوق قضایی، ش ۵۷، صص ۹۷۱۴۰
- شهیدی، مهدی، (۱۳۷۶/۱۳۷۷): قواعد ایرانی تعیین قانون حاکم بر قراردادهای بین المللی خصوصی. مجله تحقیقات حقوقی. ۲۱ و ۲۲: ۲۳۴۲.
- صالحی راد، محمد، (۱۳۷۸): حسن نیت در اجرای قراردادها و آثار آن، مجله حقوقی دادگستری، ش ۲۶،
- علوی، محمد تقی، با بازاده، با بک، (۱۳۸۹): تفسیر قرارداد در نظام حقوقی کامن لا، فصلنامه علمی تخصصی علا، ش ۲۹، صص ۱۵۰۱۷۶
- قاسم زاده، سید مرتضی، (۱۳۷۵): نقش سکوت در بیان اراده، فصلنامه دیدگاه های حقوقی، ش ۴،
- کاتوزیان، ناصر، (۱۳۸۰): اداره قرارداد، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۱۱۱۱۳۶
- کاتوزیان، ناصر، (۱۳۸۴): تفسیر قراردادها، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ش ۷۰، صص ۲۷۷۳۰۸
- موسوی بجنوردی، سید محمد، (۱۳۸۶): نقش حسن نیت در عقود و قراردادها در فقه و حقوق، فصلنامه علمی پژوهشی حقوق و علوم سیاسی، ش ۲: صص ۱۹۲۰.
- موسوی، سید فضل الله، وهمکاران، (۱۳۹۱): مطالعه تطبیقی اصول تفسیر قرارداد، فصلنامه پژوهش حقوق خصوصی، ش ۱، صص ۱۸۳۲۱۳
- نیکبخت، حمیدرضا، (۱۳۸۴): تعارض قوانین در قراردادها، قانون حاکم بر تعهدات قراردادی و اصل حاکمیت اراده، مجله حقوقی بین المللی ۳۲، صص ۲۹۳۲.